

Research Paper

Social Factors Influencing Environmental Risk Awareness and Pro-Environmental Citizenship Commitment (Case Study: Citizens of Kermanshah)

Masoumeh Karimi Farsani¹, Nabiollah Ider^{*2}, Batoul Amin Jafari Dahaghani³

1. Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaqan, Iran
2. Department of Sociology, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran
3. Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaqan, Iran

ARTICLE INFO

PP: 676-687

Use your device to scan and read
the article online



Keywords: *Family cohesion, social capital, social institutions, schools, structural equation modeling*

Abstract

Today, the current development trend has caused many material and social capitals of cities to emerge from the numerous trends, problems, and anomalies in cities. In the meantime, the existence of social capital causes mutual cohesion between members of society to withstand these problems and anomalies. This is especially vital in new cities such as Baharestan, which are often composed of geographically dispersed and culturally diverse populations. Accordingly, the main goal of the present study is to determine the indirect effect of the role of social institutions and schools in transforming social capital into social cohesion. The present study is a quantitative study that uses the field method and questionnaire tool to collect research data, and its statistical population consists of all citizens aged 20 and over in the city of Baharestan. The research sample was calculated as 600 people using the Cochran formula. In order to analyze the data and test the assumed relationships of the research, the structural equation modeling method and SmartPLS software version 3 were used. Based on the findings, the VAF value for the mediator variable was 0.2, indicating that the intensity of mediation by social institutions and schools in transforming social capital into social cohesion in the new city of Baharestan is low.

Citation: Karimi Farsani, Masoumeh, Ider, Nabiollah, Amin Jafari Dahaghani, Batoul. (2024). **Regional Analysis of Social Capital and Social Cohesion in New Cities with Emphasis on the Function of Schools and Social Institutions: Case Study of Baharestan City.** Quarterly Journal of Geography (Regional Planning), 14(55),676-687.

DOI:10.22034/jgeoq.2025.565027.4385

* **Corresponding author:** Nabiollah Ider, **Email:** Ider62@yahoo.com

Copyright © 2024 The Authors. Published by Qeshm Institute. This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Extended Abstract

Introduction

One of the new concepts in sociology is social capital, which has been proposed as a capital alongside human, financial and economic capital in societies. No human group can take useful and purposeful actions without social capital. Social capital gives meaning and significance to an individual's life and makes life simpler and more enjoyable. To the extent that it can be claimed that the greater the social capital of a nation, the happier and richer that nation will be.

Methodology

The present study is a quantitative study that uses field methods and questionnaires to collect research data, and its statistical population consists of all citizens aged 20 and over in Baharestan city.

Results and Discussion

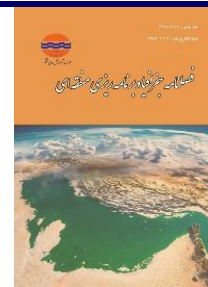
In explaining the results obtained, it can be said that education, as a socio-cultural institution, plays a fundamental and unique role in training human resources and producing social and cultural capital, and is influential in the process of growth and excellence of the country.

Conclusion

According to the results obtained from the analysis of research data, it can be said that social institutions and schools can act as effective mediators in transforming social capital into social cohesion.

References

1. Bujar, Aruqaj. (2023). An Integrated Approach to the Conceptualisation and Measurement of Social Cohesion. *Social Indicators Research*, doi: 10.1007/s11205-023-03110-z
2. Raw, K.; Sherry, E.; Rowe, K. Sport for social cohesion: Exploring aims and complexities. *Sport Manag. Rev.* 2021, 25, 454–475.
3. Fonseca, X., Lukosch, S., Brazier, F. (2020). "Social cohesion revisited: a new definition and how to characterize it", *The European Journal of social science research*, 32(25), 1-23.
4. Rostami, M., & Rezaie Eshaghvandi, S. 2021. Analyzing the Creative City Indices Using Interpretive Structural Modeling (ISM) (Case Study: Kermanshah City). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(2), 82-104. (In Persian)
5. Lins, K. V., Servaes, H., & Tamayo, A. (2018). Social capital, trust, and firm performance: The value of corporate social responsibility during the financial crisis. *The Journal of Finance*, 72(4), 1785-1824.
6. Chao, C. H. (2019). From People Management to Organization Competitiveness—A Case Analysis from Construction Industry
7. Zanganeh, Y, Hosseinabadi, S, Roshandel, Tektam, & Nabipour, Reza. 2013. The effect of place belonging and social capital on the cooperative improvement of old neighborhoods, a case study of Sardeh Sabzevar neighborhood. *Scientific and research quarterly of research and urban planning*, 5(19), 111-128. (In Persian)
8. Maryna, Dielini., Agostino, Portera., Marja, Nesterova., Marta, Milani. (2022). Social cohesion and intercultural studies in the educational community. *Shid*, doi: 10.21847/1728-9343.2022.3(2).263601
9. Hezaveh, N. (2018). The mediating role of organizational cohesion in the relationship between meritocracy and environmental accountability. Master's Thesis in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Semnan University, Semnan, Iran.[In Persian]



مقاله پژوهشی

تحلیل منطقه‌ای سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در شهرهای جدید با تأکید بر کارکرد مدارس و نهادهای اجتماعی: مورد مطالعه شهر بهارستان

معصومه کریمی فارسانی - گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

نبی‌الله ایدر* - گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

بتول امین جعفری دهقانی - گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>امروز روند توسعه‌ای موجود باعث شده تا بسیاری از سرمایه‌های مادی و اجتماعی شهرها از بین روند و مشکلات و ناهنجاری‌های عدیده‌ای در شهرها پدیدار شود. در این میان وجود سرمایه اجتماعی موجب انسجام متقابل بین اعضای جامعه برای تاب‌آوری این مشکلات و ناهنجاری‌ها امری ضروری است. این موضوع به ویژه در شهرهای جدیدی همچون بهارستان که اغلب از جمعیت‌های پراکنده جغرافیایی و از نظر فرهنگی متنوع تشکیل شده اند امری حیاتی است. بر همین مبنای هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین اثر غیرمستقیم نقش نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی است. پژوهش حاضر پژوهشی کمی است که به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده کرده و جامعه آماری آن را کلیه شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر بهارستان تشکیل می‌دهند. نمونه پژوهش از طریق فرمول کوکران ۶۰۰ نفر محاسبه شد. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون روابط مفروض تحقیق نیز از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس نسخه ۳ استفاده گردید. براساس یافته‌های به دست آمده مقدار VAF برای متغیر میانجی ۰/۲ به دست آمد که نشان دهند شدت کم میانجی‌گری نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی در شهر جدید بهارستان می‌باشد.</p>	<p>شماره صفحات: ۶۷۶-۶۸۷</p> <p>از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید</p> 

واژه‌های کلیدی:

انسجام خانوادگی، سرمایه اجتماعی اجتماعی، نهادهای اجتماعی، مدارس، مدل‌یابی معادلات ساختاری

استناد: کریمی فارسانی، معصومه، ایدر، نبی‌الله، امین جعفری دهقانی، بتول. (۱۴۰۳)، تحلیل منطقه‌ای سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در شهرهای جدید با تأکید بر کارکرد مدارس و نهادهای اجتماعی: مورد مطالعه شهر بهارستان. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)،

۱۴(۵۵): ۶۷۶-۶۸۷

DOI:10.22034/jgeoq.2025.565027.4385

مقدمه

یکی از مفاهیم جدید در جامعه‌شناسی سرمایه اجتماعی است که به عنوان یک سرمایه در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی در جوامع مطرح شده است. هیچ مجموعه انسانی بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. به حدی که می‌توان ادعا کرد هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت‌تر و ثروتمندتر خواهد بود (عرب‌پور و مهدی‌زاده، ۱۴۰۱).

امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مزیت‌های اصلی برای حیات کشورها محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند بستر مناسبی را برای بهره‌برداری نیروی انسانی فراهم کند تا منابع انسانی با مشارکت بیشتر، اعتماد متقابل و افزایش دانش خود قادر به انجام تعهدات شهروندی خود در جوامع باشند (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰).

مفهوم سرمایه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی انسان را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کند، کارها را انجام دهد، به اهدافش برسد، مأموریت‌هایش را در زندگی به اتمام برساند، و به سهم خود به دنیایی که در آن زندگی می‌کند کمک کند. ملاحظه می‌شود که سرمایه اجتماعی می‌تواند مزایایی را در راستای انتظام و انسجام درونی و کارکردی سیستم در جهت تحقق اهداف و مطلوبیت‌های مورد نظر به ارمغان آورد. بی‌شک سرمایه اجتماعی قادر است عملکرد هر جامعه انسانی را ارتقا بخشد و یک دارایی اساسی است که هم برای جامعه (از طریق ایجاد ارزش برای ذینفعان) و هم برای اعضای سازمان (از طریق ارتقای مهارت شهروندان) مفید و سودمند است. پس با توجه به این امر سرمایه اجتماعی شایسته توجه و توسعه است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹).

همچنین اهمیت سرمایه اجتماعی در کشور ما وقتی دو چندان می‌شود که در تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله نظام توجه ویژه‌ای به آن شده است، به طوری که یکی از مولفه‌های مهم در سند چشم‌انداز، مولفه سرمایه اجتماعی است. در سند چشم‌انداز، در بند دوم ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق بیست ساله، ایران کشوری معرفی شده که متکی بر (سهم برتر منابع انسانی) سرمایه اجتماعی در تولید ملی است. با این ملاحظات و توجه ویژه سند چشم‌انداز به مقوله سرمایه اجتماعی، شایسته است به الزامات و روش‌های تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی در شهرهای کشورمان به ویژه شهرهای نوظهوری همچون بهارستان بپردازیم.

تأکید بر سرمایه اجتماعی در بافت شهر جدید بهارستان بر نقش حیاتی روابط اجتماعی به هم پیوسته در پرورش حس وحدت و هویت جمعی تأکید دارد. سرمایه اجتماعی که توسط شبکه‌ها، اعتماد و ارزش‌های مشترک تعریف می‌شود، به عنوان چسبی عمل می‌کند که افراد را در یک ساختار اجتماعی منسجم به هم پیوند می‌دهد. در مناظر شهری شهرهای نوظهور که به سرعت در حال تحول هستند، با توجه به چالش‌های ناشی از پراکندگی جغرافیایی، تنوع فرهنگی و سرعت سریع توسعه شهری، نیاز به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با همبستگی اجتماعی ضروری می‌شود.

از آنجایی که بافت اجتماعی بهارستان با پیدایش محله‌های جدید دگرگون می‌شود، درک عواملی که بر همبستگی اجتماعی تأثیر می‌گذارند، به محوری برای توسعه و تاب‌آوری جامعه تبدیل می‌شود. تعامل پیچیده بین سرمایه اجتماعی و احساس تعلق و همکاری شهروندان، بستر یک جامعه هماهنگ و پایدار را تشکیل می‌دهد. این تحقیق به بررسی جنبه‌های ظریف پیوند اجتماعی می‌پردازد و به دنبال کشف چگونگی شکل‌دهی عوامل اجتماعی به پیوندهایی است که شهروندان را در شهر در حال رشد بهارستان به هم پیوند می‌دهد.

مبتنی بر توضیحات ارائه شده پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی در شهر نوظهور بهارستان انجام شده است.

۲. مبانی نظری

یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی انسجام اجتماعی است. دوام و بقای حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه در گرو همبستگی و انسجام میان عناصر و اجزا تشکیل‌دهنده ساختمان اجتماعی می‌باشد. انسجام عبارت است از سازگاری در نگرش‌ها، ارزش‌ها، اهداف و سیاست‌ها می‌باشد و نتیجه عمل عقلانی است. انسجام، پدیده یا فرایندی که فقط یک در جامعه تشکیل شود نیست، بلکه محتاج بازتولید و بازسازی مداوم است (بوجار و همکاران، ۲۰۲۳).

به گفته ماهاریر (۲۰۱۵) انسجام فرایندی است که در مسیر تحقق آن باعث خلق تغییراتی در حیطه‌های ادراکی، ارزشی، گرایشی، باورها و قابلیت‌های انسان‌ها، اعمال و رفتارهای مخصوصی در پی خواهد داشت که در خود توسعه و پیشرفت است. انسجام فرایندی است که از طریق آن اعضای یک گروه یا از مشارکت با یکدیگر لذت می‌برند و یا برای دستیابی به هدف مشترک به هم وابسته‌اند. برای نشان دادن انسجام، هدف مهمترین عامل است. بنابراین می‌توان گفت که در نتیجه مشارکت، همکاری، همنوایی و در یک کلام انسجام، اهداف مشترک محقق می‌گردد (هزاوه، ۲۰۲۰).

انسجام فرایندی پویا است که با وجود آن گروه تمایل دارد تا صمیمیت، وفاداری به یکدیگر و اتحاد و یکپارچگی در تعقیب اهداف گروهی را تداوم می‌بخشد. از دیدگاه رایینز (۲۰۱۰) انسجام به عنوان یک ویژگی کلیدی از فرهنگ، تمایل واحدهای درونی را به شیوه یکسان و هماهنگ عمل کردن می‌سنجد و یکپارچگی و انسجام واحدهای درونی را به عنوان یک شاخص مطرح می‌سازد. از طرفی، سرمایه اجتماعی به عنوان مشخصه‌ای است که توانایی سازماندهی جمعی، مشارکتی و داوطلبانه برای حل مشکلات گروهی یا عمومی را به حداکثر می‌رساند. در صورتی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی توأم با همکاری از منابع برای اهداف عمومی وجود نداشته باشد؛ بعید است که فقط سرمایه مالی و نیروی انسانی بتواند نتایجی همچون رشد و توسعه شهرها را به دنبال داشته باشد. در واقع شبکه‌های ارتباطی واقعی روابط اجتماعی یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود و هر چه این شبکه‌ها در جامعه متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت تامین منافع متقابل بیشتر می‌شود. در واقع جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می‌نماید و شوراهای شهر به عنوان یکی از نموده‌های مشارکتی سرمایه اجتماعی نقش مهمی در اداره محلات و شهرها در سطح محلی بر عهده دارد (طاهرپور و ناصری، ۱۴۰۳).

۲-۱. نقش نهادهای اجتماعی در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی

عضویت شهروندان در نهادهای محلی را می‌توان به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست. نهادهای محلی نظیر انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای، شوراهای شهری و محلی که ساماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب شکل‌گیری فرهنگ‌های خاص این نهادها شده و ضمن ایجاد سطوح بالاتری از مشارکت، سبب تعلق اجتماعی می‌شود و به طور غیرمستقیم کنترل رفتارها، تعاملات و ارتباطات اجتماعی و اقتصادی وابسته به هنجارهای موجود می‌شود و هزینه‌های بسیاری از کنترل‌های غیررسمی را کاهش می‌دهد. همچنین ایجاد این نهادهای اجتماعی یکی از راه‌حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است؛ چرا که افراد در رقابت نهادها به هویت مشترک دست می‌یابند و همین زمینه را برای همکاری‌های گروهی برای حل مشکلات، فراهم می‌کند و به دنبال آن شبکه‌های اعتماد را به وجود می‌آورد که موجب ارتباطات افراد با تعهد بیشتر می‌شود که در صورت هدایت مناسب موجب کاهش هزینه‌های نظارت و سرپرستی رسمی در سازمان‌ها می‌شود (راو و همکاران، ۲۰۲۱).

شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کند. این هنجارها، شبکه‌های ارتباطی که به حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است را تقویت می‌کند و این شبکه‌ها ارتباطات را تسهیل می‌کند و به دنبال آن کیفیت فعالیت‌ها را ارتقا می‌بخشد و به پایداری می‌رساند. از طرفی نهادهای اجتماعی که از زیر مجموعه‌های ساختار شهری هستند، با محتوا و اهداف خاصی در سطوح مختلف سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند، این مراکز با توجه به تعاملات متقابلی که با تمام شهروندان دارد، با توجه به عملکردهایشان یک نوع دارایی اجتماعی برای مدیریت شهری محسوب می‌گردند که می‌توان آنرا به صورت بالفعل درآورد. بر این اساس، وجود منابع مولد و ذخیره‌سازی چون آرمان‌های مشترک، انسجام اجتماعی بالا شهروندان، انگیزه‌های قوی برای پیشرفت شهری و محلات، برخورداری از امکانات رفاهی و آسایش در شهر را فراهم می‌کند. از بعد کارکردگرایانه نیز سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگ نظارت همگانی موجب تقویت روابط دوجانبه و تعاملات شهروندان با نهادهای جامعه مدنی می‌گردد (فونسکا، ۲۰۲۰).

در یک جامعه شهری، روابط اجتماعی و انسجام بخش شهروندان با سازمان‌های اجرایی مدیریت جامع شهری منجر به پایین آمدن سطح هزینه‌هایی می‌شود که مدیریت شهری برای شهر باید هزینه کند، در واقع این ارتباط موثر و اعتماد بین شهروندان و حوزه مدیریت شهری باعث خواهد شد که بخشی از هزینه‌ها صرف امور زیربنایی‌تر که باعث توسعه شهرها و محلات از جمله سلامت پایدار گردد، شود. در فرایند اجرایی مدیریت شهری و محلات هر چه حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری و محلی با

هر طبقه‌ای از شهروندان ارتباط اجتماعی قوی‌تری داشته باشد و شهروندان را با خطرات روحی، روانی و جسمانی آگاه کند باعث افزایش انسجام اجتماعی شهروندان در حفظ سلامتی و افزایش اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری خواهد شد (ملکان و ملکان، ۱۳۹۶).

با ورود سرمایه اجتماعی در جامعه شهری، روابط اجتماعی بین ساکنان تقویت می‌شود، توسعه اقتصادی با به کارگیری استعدادها، ظرفیت‌های نهفته شهروندان نهادینه خواهد شد؛ سنت‌ها و قواعد حاکم بر روابط اجتماعی، مناطق شهری باید بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را دارا باشند و با ظهور مراکز فرهنگی ابزاری برای افزایش مشارکت اجتماعی و انجام کارهای داوطلبانه فراهم گردد (رستمی و همکاران، ۲۰۲۱). سرمایه اجتماعی، نقش مهمی را در شکل‌گیری همبستگی دارد؛ زیرا سرمایه اجتماعی باعث رونق و شکوفایی یک محله و سطح مناسبات اقتصادی، فرهنگی و هنری را در سایر مناطق شهری، ملی و فراملی گسترش می‌دهد و نسبت به ارتقای فناوری، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش میزان تولید توجه ویژه‌ای دارد (زنگنه و همکاران، ۲۰۱۷). مشارکت در فعالیت‌های شهری موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه شده و می‌تواند به عنوان مبنایی برای کنترل اجتماعی باشد. همچنین، مشارکت در فعالیت‌ها منجر به نظارت دیگر اعضای جامعه می‌شود که خود یک نوع مشارکت محسوب می‌شود. بنابراین، سطوح بالای مشارکت اجتماعی باعث تقویت سازمان اجتماعی و ارتقا سرمایه اجتماعی می‌شود (مارینا و همکاران، ۲۰۲۲).

۲-۲. نقش مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی

سرمایه اجتماعی لزوماً یک مفهوم ثابت و ایستا به شمار نمی‌آید، بلکه طی زمان و مکام‌ها تغییر می‌کند. شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با سرمایه اجتماعی از طریق شکل‌های متفاوت مشارکت در فعالیت‌های مدنی و ارتباطی که شامل تعامل‌های شخصی است، خلق می‌شوند و از این طریق موجب افزایش اعتماد و تعامل می‌شوند. بنابراین در تمام جوامع توجه به سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی و سرمایه‌گذار بر آن از ضروریات است. به دلیل اهمیت بالای سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی، کشورها سعی در ایجاد و تقویت این سرمایه دارند تا از این طریق بتوانند به توسعه اقتصادی نایل آیند. یکی از مهمترین عوامل ایجادکننده این سرمایه، نهاد آموزش است. آموزش قادر است هر دو بعد ذهنی و ساختاری سرمایه اجتماعی را در جوامع به وجود آورد. وظیفه آموزش تنها انتقال دانش و تربیت سرمایه انسانی نیست، بلکه آموزش به عنوان یک نهاد رسمی نقش تربیتی و پرورشی را نیز بر عهده دارد. چرا که نظام تعلیم و تربیت متولی تربیت نسل آینده کشور و نیروهای متخصص جامعه می‌باشد (لطیفی و عظیمی، ۱۳۹۹).

به گفته چاربان (۲۰۱۱) به طور کلی بهترین نوع آموزش، آموزشی است که زمینه‌ساز آینده باشد، اندیشه‌ها را غنی سازد، ظرفیت‌های ذهنی و افق‌های دید را گسترش بخشد و به طور کلی هنجارها را ایجاد کند. از طریق آموزش می‌توان بسیاری از اهداف اجتماعی را به دست آورد که منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌گردد؛ نظیر دانستن وظایف دانش‌آموزان در مقابل خانواده، دوستان و همسایگان، احترام به معلمین و اولیای مدرسه، رعایت حقوق دیگران، کمک به همکلاسی‌ها، دوست داشتن همکاری با دیگران، شرکت در بازی و فعالیت‌های گروهی، دانستن و عمل به مقررات مدرسه و پایبندی به انجام وظایف و مسئولیت‌ها (احمدیگی و همکاران، ۱۳۹۹).

در نظام تعلیم و تربیت، مدارس نقش مهمی دارند و در واقع شالوده این نظام هستند. مدرسه به مثابه مجموعه‌ای از اجزا و مولفه‌ها در امر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر دارد. برنامه درسی و یکی از مولفه‌های مهم آن یعنی کتاب‌های درسی که در مدرسه تدریس می‌شوند، از جمله این عوامل هستند. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش‌آموزان با مفاهیم و موضوعات اجتماعی، ارزشی و اخلاقی است. مروری بر محتوای کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی کم‌وبیش در این دروس به صورت پراکنده مطرح شده است و این شیوه ارائه ارزش‌های اجتماعی اساساً رویکردی در تربیت است که در تجارب کشورهای دیگر نیز یافت می‌شود. عنصر مهم دیگر در مدرسه جو حاکم بر مدرسه است. این عنصر تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری منش اجتماعی دانش‌آموزان و رفتار مدنی آنان دارد (لینز، ۲۰۱۸).

مدرسه مکانی امن و غنی شده از برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه دانش‌آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش‌آموزان، ایجاد آمادگی آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم‌انداز بیست ساله کشور، مدرسه تبدیل به مکانی خواهد شد که دانش‌آموزان از حضور فعال در آن لذت می‌برند و از ترک نمودن آن اکراه دارند. در این مدرسه دانش‌آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت اجتماعی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش‌آموز مرکز توجه و محور فعالیت‌هاست. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش‌آموز محوری در کنار رویکردهای موضوع محوری و معلم محوری مورد تاکید و توجه است. در این مدرسه، تلاش بر آن است که ضمن آموزش علوم مختلف، فرصت‌های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان ایجاد شود و به طور کلی مهارت‌های لازم برای داشتن یک زندگی موفقیت‌آمیز در جامعه با در نظر گرفتن معیارهای ارزشی و اسلامی و تحولات اجتماعی به دانش‌آموزان آموزش داده شود (چاؤ، ۲۰۱۹).

سرمایه اجتماعی در مدرسه پیامدهایی مانند ارتقای بهداشت، ایجاد و بهبود فرصت‌های کارآفرینی و پیشرفت تحصیلی، بهبود عملکرد، ایجاد حس اعتماد و ... را به دنبال دارد. عوامل مختلفی نیز در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارند. یکی از این عوامل آموزش است. در واقع نهاد آموزشی به دلیل ایجاد هنجارها و ارزش‌ها و درونی کردن آنها مهمترین وظیفه را در خلق هنجارها در جامعه ایفا می‌کند. اهمیت آموزش آنقدر زیاد است که بدون سرمایه‌گذاری روی آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایدار محقق نمی‌گردد. مدرسه با تمامی جنبه‌های خود بر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد (دوست‌حسینی و همکاران، ۱۴۰۳).

مدرسه باید انگیزش‌ها و رفتارها را در سطح جامعه ایجاد کرده و اصلاح کند. به گونه‌ای که این انگیزش‌ها و رفتارها به سمت هنجارها و ارزش‌های مثبت و قانون‌مداری کشیده شود و با قرار گرفتن در چنین چارچوبی به طور خودکار اعتماد لازم را میان افراد به وجود می‌آورند. این اعتماد نیز مشارکت افراد و همکاری آنان با یکدیگر را ترویج می‌کند. اگر این نهاد بتواند چنین رفتاری را در جامعه ایجاد کند زمینه ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه فراهم می‌گردد. برای ایجاد سرمایه اجتماعی، به یک نظام آموزشی جامع نیاز است. زیرا که آموزش پایه از یک سو بیشترین میزان جمعیت را تحت پوشش قرار می‌دهد و از سوی دیگر این که در سنین پایه افراد انعطاف‌پذیرترند و آسان‌تر می‌توان هنجارها و ارزش‌های مثبت را در آنها ایجاد کرده و شخصیت آنها را شکل داد (براتی و همکاران، ۱۴۰۲).

۳. روش پژوهش

از آن جایی که این مطالعه درصدد تعیین اثر غیرمستقیم نقش نهادهای آموزشی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی در شهر نوظهور بهارستان می‌باشد، از رویکرد کمی با روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شده است تا معناداری روابط میان اجزاء بررسی گردیده و اعتبارسنجی شود.

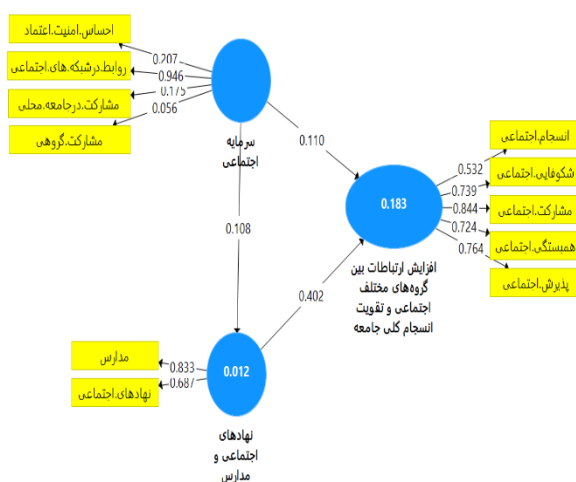
استفاده از رویکرد کمی می‌تواند از طریق تحلیل مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل تأییدی منجر به بررسی اعتبار مدل از یک سو و شناسایی میزان اهمیت و شدت تأثیرات اجزاء مدل گردیده و منجر به ایجاد درکی نو در پژوهشگران و تصمیم‌گیران حیطه جامعه‌شناسی گردد. در این گام پژوهشگر به دنبال تکمیل مدل خود از طریق شناسایی تأثیرات سازه‌های مدل بر یکدیگر می‌باشد. با توجه به این که مبتنی بر رویکرد کمی، سنجش این ساختارها نیازمند طراحی پرسشنامه‌ای استاندارد (این پرسشنامه در قسمت پیوست پایان نامه ضمیمه شده است) نیز می‌باشد. بدین ترتیب پرسشنامه دربردارنده سؤالات استاندارد می‌باشد. در این راستا ابتدا سؤالات براساس پرسشنامه‌های استاندارد تدوین شده و سپس این سؤالات وارد چرخه سنجش روایی و پایایی گردیدند. در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه از دو شاخص CVR استفاده شده است. شاخص CVR مبتنی بر نظرات خبرگان در کنار تحلیل عاملی تأییدی (مبتنی بر پرسشنامه‌های گردآوری شده) و CVI به منظور بررسی روایی محتوایی پرسشنامه پژوهش استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این روش، ضریب آلفای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است و درحد قابل قبول می‌باشد. در این مطالعه از کلیه شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر بهارستان (۹۵۰۰۰۰ نفر) نمونه‌ای با کمک فرمول کوکران برای جوامع معلوم به تعداد ۶۰۰ نفر استخراج گردید. سپس

پرسشنامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای توزیع شد. بدین صورت که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در مرحله اول تعدادی از مناطق شهر بهارستان انتخاب و در مرحله دوم از هر کدام از مناطق نمونه‌نهایی به صورت تصادفی استخراج شدند. پرسشنامه‌ها بین افراد نمونه توزیع و تا جمع‌آوری ۶۰۰ پرسشنامه سالم ادامه یافت.

۴. نتایج

در بخش کمی با توجه به بالا بودن حجم نمونه و نرمال بودن داده‌ها از آمار پارامتریک و نرم‌افزار آماری smart-pls جهت تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. بعد از اطمینان از سنجش مناسب سازه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی، مدل نهایی در قالب نحوه تاثیرگذاری نقش نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی در نرم افزار اجرا شده و روابط بین این عوامل مورد بررسی قرار گرفت.

شکل ۱ مدل نهایی پژوهش (بررسی تاثیر نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی) را نشان می‌دهد. جدول ۱ نیز شاخص‌های برازش این مدل را نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است.



شکل ۱: مدل پژوهش در حالت ضریب مسیر (تاثیر نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی)

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل پژوهش (تاثیر نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی)

نام شاخص	مقدار مجاز	مقادیر به دست آمده
SRMR	10% >	۰/۰۲۳
Chi-Square		۶۸۰/۱۱۸
NFI	>9.0	۰/۹۷۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بررسی روابط شناسایی شده در مدل نهایی پژوهش

جدول ۲ نشان‌دهنده نتایج بررسی روابط شناسایی شده در مدل می‌باشد. با توجه به این جدول، زمانیکه آماره t بیش از مقدار (۱/۹۶) و یا کمتر از مقدار (-۱/۹۶) حاصل شود، رابطه فوق تایید می‌گردد.

جدول ۲: بررسی روابط شناسایی شده در مدل پژوهش (تاثیر نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی)

روابط	مسیر			ضریب استاندارد	آماره t	معناداری	نتیجه
	<<	<	>				
رابطه ۱	سرمایه اجتماعی	<<	تقویت انسجام	۰/۱۱۰	۲/۰۴۴	۰/۰۱۷	تایید
رابطه ۲	سرمایه اجتماعی	<<	نهادهای اجتماعی و مدارس	۰/۱۰۸	۲/۰۱۶	۰/۰۱۰	تایید
رابطه ۳	نهادهای اجتماعی و مدارس	<<	تقویت انسجام	۰/۴۰۲	۱۱/۰۳۷	۰/۰۰۰	تایید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بررسی تاثیر نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی

جهت آزمون فرضیه میانجی از رویکرد سوبل استفاده شده است که نتیجه آن برای آزمون فرضیه میانجی به صورت زیر است:

$$Z = \frac{0.108 * 0.402}{\sqrt{(0.402^2 * 0.05^2) + (0.108^2 * 0.03^2) + (0.05^2 * 0.03^2)}} = 2.132$$

با توجه به اینکه آماره Z آزمون سوبل بزرگ‌تر از ۱.۹۶ است، در نتیجه فرضیه میانجیگری تایید می‌شود. همچنین برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی از آماره‌ای به نام VAF استفاده می‌شود که نحوه محاسبه آن به صورت رابطه زیر است و مقداری بین صفر و یک را اختیار می‌کند و هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از قوی‌تر بودن تاثیر متغیر میانجی دارد.

$$VAF = (0.108 * 0.402) / ((0.402^2) + 0.110) = 0.281$$

بنابراین با توجه به جایگذاری ها، مقدار VAF برای متغیر میانجی نهادهای اجتماعی و مدارس ۰/۲۸۱ به دست آمد که نشان دهند شدت کم میانجیگری نهادهای اجتماعی و مدارس در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی در شهر جدید بهارستان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش می‌توان گفت نهادهای اجتماعی و مدارس می‌توانند به عنوان میانجی‌هایی مؤثر در تبدیل سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی عمل کنند. نتایج این مطالعه همسو با مطالعاتی نظیر زینیکلو و دالکیران (۲۰۲۲) و بیات و همکاران (۱۴۰۰) و سیکل و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد. بیات و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی تشکل‌های مردم نهاد استان مرکزی بر مردم سالاری نشان دادند که سرمایه اجتماعی تشکل‌های مردم نهاد استان مرکزی بر مردم سالاری و انسجام اجتماعی تاثیر مثبت و معنادار می‌گذارد. همچنین سیکل و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود نشان دادند نهادهای اجتماعی دارای توان سازماندهی بالای رفتار ساکنان از طریق نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و اجتماعات دارای همبستگی زیاد، می‌توانند اثربخشی جمعی را توسعه دهد. در تبیین نتایج حاصل شده می‌توان گفت، آموزش و پرورش به عنوان نهاد فرهنگی اجتماعی، نقش اساسی و بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند و در فرایند رشد و تعالی کشور اثرگذار است. به گونه‌ای که آینده کشور در آئینه آموزش و پرورش امروز قابل مشاهده است. رابطه جامعه و آموزش و پرورش یک طرفه نیست، بلکه جامعه برای تداوم حیات خود به درجه‌ای از مشابهت افکار، ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای خود نیاز دارد که آموزش و پرورش آن را تامین می‌کند. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش از ابتدای شباهت‌های اساسی و همانندی‌های مورد نیاز زندگی جمعی را به وجود می‌آورد و در افراد تثبیت می‌کند؛ امری که برای انسجام و انتظام جامعه حیاتی و ضروری است. جامعه‌پذیری، ایجاد زمینه‌های ارزشی و هنجاری مشترک و کنترل اجتماعی، سازوکارهایی هستند که آموزش و پرورش به واسطه آنها انسجام و توسعه جامعه را سامان می‌دهد.

شبکه اجتماعی یک جزء کلیدی برای مفهوم سرمایه اجتماعی مدرسه است. شبکه اجتماعی شامل دو نوع شبکه داخلی و خارجی می‌باشد. به گفته ژانگ (۲۰۰۸) شبکه اجتماعی داخلی مدرسه سلسله‌مراتبی می‌باشد. این شکل از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به سطح فردی، سطح بخش / گروه و سطح سازمانی مدرسه مرتبط باشد. در هر سطح بسیاری از روابط معادل (مانند روابط دانش‌آموز-دانش‌آموز و معلم-معلم) وجود دارد. ژانگ (۲۰۰۸) سه نوع شبکه‌های اجتماعی خارجی مدرسه را نیز متمایز ساخت: (۱) شبکه عمودی: مانند رابطه مدرسه با دولت است. (۲) شبکه افقی: یعنی رابطه بین مدارس و سایر نهادهای مانند رابطه مدرسه با نهادهای مذهبی و یا رابطه مدرسه با خانواده است. (۳) شبکه اجتماعی مبتنی بر ارتباط بین اعضای مدرسه و اعضای غیرمدرسه مانند رابطه معلم و پدر و مادر است.

انتظار بر این است که ارتقای تحصیلات و سرمایه انسانی بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و فزاینده‌ای داشته باشد. از طریق آموزش می‌توان بسیاری از اهداف اجتماعی را به دست آورد که منجر به ارتقا سرمایه اجتماعی می‌گردد. هانگ (۲۰۰۹) معتقد است به منظور ایجاد سرمایه اجتماعی، به یک نظام آموزشی جامع نیاز است؛ چرا که افراد در آموزش پایه، انعطاف‌پذیرترند و آسان‌تر می‌توان هنجار و ارزش‌های مثبت را در آنها ایجاد کرد و شخصیت آنها را شکل داد. دوره ابتدایی اولین مکان تربیت ظرفیت‌ها و توانایی‌های معنوی و ذهنی خارج از خانواده است. سطوح متوسطه و دبیرستان نیز اهمیت دارند؛ چرا که بسیاری از فارغ‌التحصیلان وارد بازار کار یا آموزش عالی می‌شوند و به نوعی تعاملات اجتماعی پیچیده‌تر و تخصصی‌تر برقرار می‌نمایند.

مدارس به عنوان یک نهاد، متاثر از تحولات کیفیت روابط اجتماعی خواهد بود. بدون ترید نقش کلیدی مدارس در هر جامعه‌ای می‌تواند شرایط مناسبی را برای ایجاد سرمایه‌های اجتماعی بوجود آورد؛ همین‌طور ضرورت وجود آن را محرز سازد. شبکه‌های ارتباطی مدیران، معلمان، والدین و کودکان سرمایه اجتماعی را در سطح مدرسه ایجاد می‌کند که به عنوان ابزاری برای ایجاد محیط‌های آموزشی همراه با تبادل هنجارهای اجتماعی و اطلاعات می‌باشد.

برای اجرای سرمایه اجتماعی باید دانش‌آموزان را بیشتر در امور مدرسه مشارکت داد، انجمن‌ها و شوراهای دانش‌آموزی را باید به رسمیت شناخت و امکان فعالیت به آنها داد و از نظراتشان در بهبود امور مدرسه و همچنین از خودشان در اجرای نظراتشان استفاده کنند. دانش‌آموزان به شرکت در گروه‌ها و گفت‌وگوهای کلاسی و برگزاری و بزرگداشت مراسمات و مناسبت‌ها تشویق کرد. مدارس می‌توانند با تشکیل یا تقویت انجمن اولیا و مربیان و سعی و تلاش برای اخلاقی کردن (به معنی اجتماعی آن) و نه قانونی آن، سرمایه اجتماعی را قوت بخشد.

مدیران نیز باید در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای مشارکت داده شوند و در سطح مدرسه نیز مدیران، سبک‌های رهبری و مدیریت مشارکتی را پیشه گیرند و معلمین را در تصمیم‌گیری‌های مدرسه‌ای شرکت دهند. این کار خود باعث رشد حرفه‌ای معلمان و توانمندی آنها می‌شود.

مساله حائز اهمیت دیگر در اجرای سرمایه اجتماعی، کاهش بوروکراسی در مدارس و افزایش اختیار مدیران و معلمان در اداره امور مدرسه و تدریس می‌باشد. در این صورت، از میزان روابط رسمی و خشک و به اصطلاح کاغذ بازی اداری کاسته و روابط متقابل مدیر و زیردست، مشارکت اعضای سازمان بر مبنای اعتماد افزایش می‌یابد. همچنین بحث ارزشیابی دانش‌آموزان و نحوه آن نیز در ایجاد و رشد سرمایه اجتماعی مهم می‌باشد. ارزشیابی کیفی و حذف رتبه‌بندی دانش‌آموزان به اجرای سرمایه اجتماعی کمک می‌نماید؛ بدینگونه که لازمه ایجاد سرمایه اجتماعی در سطح مطلوب در بین دانش‌آموزان، ایجاد احساس آرامش و امنیت در دانش‌آموزان است و از جمله عواملی که موجب برهم زدن آرامش آنان می‌شود، ترس از نمره می‌باشد. در غیر این صورت، رقابت ناسالم و تلاش برای حذف و عقب زدن یکدیگر در دانش‌آموزان فزونی می‌یابد. همچنین امکان تدریس فلسفه برای کودکان و نوجوانان موجب تقویت قوای تفکر و توانایی نقد و بررسی و استدلال در آنان را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود دانش‌آموزان بتوانند در جامعه به عنوان یک شهروند عملکرد مثبت داشته باشند.

از حیث فرهنگی، ضروری است تا جو سازمانی و فرهنگ حاکم بر مدارس به سوی فضای اعتماد، دوستی، مشارکت‌های داوطلبانه و روابط مبتنی بر محبت و صداقت، سوق داده شود؛ هم میان اعضای مدرسه (معلمین، مدیر و دانش‌آموزان) و هم در ارتباط با اولیای دانش‌آموزان. در این صورت احساس امنیت و شهروندی سازمانی در اعضا افزایش می‌یابد و سازمان را از آن خود می‌دانند و خود را متعهد و مسئول می‌دانند. از طرفی سرانه مدارس و بودجه فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی مدارس نیز مورد توجه است.

فعالیت‌های پرورشی و گروهی دانش‌آموزان تاثیر بسزایی در رشد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان دارد. حضور دانش‌آموزان در برنامه‌های پرورشی ضمن اینکه آنها را به طور سالم سرگرم می‌کند، باعث می‌شود استعدادها و هنری و اجتماعی آنها شکوفا و شناسایی شود. فعالیت‌های پرورشی یکی از دو رکن اصلی آموزش و پرورش است. در سال‌های اخیر کمتر به این مهم بها داده شده است. بودجه‌ای که به این فعالیت‌ها اختصاص داده شده نزدیک به صفر است و مهمترین عامل محدودکننده سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های گروهی و پرورش، محدودیت‌های مالی و کمبود سرانه می‌باشد.

در پایان، پیشنهاد می‌گردد تا در پژوهش‌های آتی و با اتکاء به نتایج یافته شده در مطالعه حاضر، کوشش شود تا بنیان‌های نظری در حیطه موضوع تحقیق از طریق توسعه مدل‌های پارادایمی، گسترش یابد. در این زمینه پژوهشگران می‌بایست تمرکز خود را بر شناسایی عوامل و شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای و راهبردهای توسعه سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی قرار داده و بکوشند تا از طریق شناسایی این موارد در کنار توسعه پیامدهای شناسایی شده ناشی از توسعه سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی، بنیان‌های توسعه نظریات این بخش با تمرکز بر جامعه ایرانی و کلان شهرها را فراهم آورند. از طرفی، برای رسیدن به داده‌های بیشتر و عمیق‌تر به نظر می‌رسد به شیوه‌های تحقیقی شبیه روش‌های تک آزمودنی و شیوه‌های تجربی‌تر نیاز است و به تحقیقات توصیفی و همبستگی اکتفا نشود.

منابع

۱. احمدیگی، شهریار؛ اجتهادی، مصطفی؛ جمالی، اختر (۱۳۹۹). طراحی مدل مفهومی برای ارتقا نقش مدرسه در ایجاد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۱۰(۴).
۲. براتی، علی اکبر؛ بازاریار، مهناز؛ مهدیان، مرتضی (۱۴۰۱). بررسی پارامترهای تاثیرگذار بر همبستگی اجتماعی در توسعه پایدار شهری، ماهنامه پایاشهر، دوره ۴، شماره ۴۳.
۳. دوست حسینی، محمد؛ بیگدلی، وحید؛ معینی فر، مریم (۱۴۰۳). تحلیل اثرات شاخص‌های سرمایه اجتماعی برابر بر ایجاد منطقه خلاق شهری، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۴(۳)، ۱۶۱-۱۷۸.
۴. صادقی، علیرضا؛ لطفی، سهند؛ باقرزاده، امید (۱۴۰۰). واكوی ابعاد و عوامل موثر بر ارتقای همبستگی اجتماعی در بافت‌های تاریخی ناکارآمد، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، سال هفتم؛ شماره ۲۲، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۵. طاهرپور، فاطمه؛ ناصری، فاطمه (۱۴۰۳). نقش سرمایه اجتماعی در انسجام اجتماعی بامیان‌جیگری هم‌آفرینی در بین اعضای هیات علمی بیرجند، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۱۴(۴).
۶. عرب‌پور، الهام؛ مهدی‌زاده، شراره (۱۴۰۱). فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۷۳-۱۱۳.
۷. قاسمی، ابراهیم؛ مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۵(۱)، ۲۰۵-۲۳۲.
۸. کاراوند، امید؛ چناری، وحید؛ امیرنژاد، قنبر (۱۴۰۱). طراحی الگوی عوامل سازنده سرمایه اجتماعی باتاکید بر سرمایه اجتماعی، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، ۱۷(۴).
۹. لطیفی، غلامرضا و عظیمی، میترا (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و نقش آن در برنامه ریزی و مدیریت شهری، مجله علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
۱۰. ملکان، احمد؛ ملکان، جواد (۱۳۹۶). رابطه سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۹.
11. Bujar, Arujaj. (2023). An Integrated Approach to the Conceptualisation and Measurement of Social Cohesion. Social Indicators Research, doi: 10.1007/s11205-023-03110-z
12. Raw, K.; Sherry, E.; Rowe, K. Sport for social cohesion: Exploring aims and complexities. Sport Manag. Rev. 2021, 25, 454-475.

13. Fonseca, X., Lukosch, S., Brazier, F. (2020). "Social cohesion revisited: a new definition and how to characterize it", *The European Journal of social science research*, 32(25), 1-23.
14. Rostami, M., & Rezaie Eshaghvandi, S. 2021. Analyzing the Creative City Indices Using Interpretive Structural Modeling (ISM) (Case Study: Kermanshah City). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(2), 82-104. (In Persian)
15. Lins, K. V., Servaes, H., & Tamayo, A. (2018). Social capital, trust, and firm performance: The value of corporate social responsibility during the financial crisis. *The Journal of Finance*, 72(4), 1785-1824.
16. Chao, C. H. (2019). From People Management to Organization Competitiveness—A Case Analysis from Construction Industry
17. Zanganeh, Y, Hosseinabadi, S, Roshandel, Tektam, & Nabipour, Reza. 2013. The effect of place belonging and social capital on the cooperative improvement of old neighborhoods, a case study of Sardeh Sabzevar neighborhood. *Scientific and research quarterly of research and urban planning*, 5(19), 111-128. (In Persian)
18. Maryna, Dielini., Agostino, Portera., Marja, Nesterova., Marta, Milani. (2022). Social cohesion and intercultural studies in the educational community. *Shìd*, doi: 10.21847/1728-9343.2022.3(2).263601
19. Hezaveh, N. (2018). The mediating role of organizational cohesion in the relationship between meritocracy and environmental accountability. Master's Thesis in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Semnan University, Semnan, Iran.[In Persian]